

نقش اخلاق در تبیین و اجرای قواعد حقوق بشردوستانه با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

حسین دیبا^۱ - علیرضا مکتب‌دار^۲

چکیده

بررسی آموزه‌های اسلامی نشانگر نقش اثرگذار اخلاق در پایه‌گذاری قواعد حقوقی در گام نخست و اجرای آن‌ها در گام بعدی است. این نقش، به‌ویژه در مورد بسیاری از قواعد حقوقی‌ای که برای طرفین درگیری در جریان منازعات مسلحانه تدوین گردیده، برجسته است. بی‌تردید در حقوق بشردوستانه قواعدی وجود دارد که جز به وسیله اصول اخلاقی‌ای که مبنای آن‌ها قرار گرفته، توجیه‌پذیر نخواهد بود، از این رو بررسی نقش این اصول اخلاقی در تبیین و اجرای قواعد حقوق بشردوستانه ضروری می‌نماید. این نوشتار در پی آن است که پس از بررسی رابطه اخلاق و حقوق - به صورت کلی -، به بررسی ارتباط پاره‌ای از آموزه‌های اخلاقی اسلام با قواعد حقوق بشردوستانه و نقش آن‌ها در اجرای قواعد یادشده بپردازد.

کلید واژه‌ها: اخلاق، حقوق بشردوستانه، عدالت، اخلاص، وفای به عهد، تقوا

۱- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۲- دانش‌پژوه سطح ۴، موسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی، نویسنده مسئول.

armaktabdar@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۷.

مقدمه

طبع سرکش و حریص انسان همواره برای توسعه قلمرو دارایی و افزایش قدرت خویش، صحنه‌های نزاع و درگیری‌های خونین را بر صفحه تاریخ به تصویر کشیده است. بشری که صلح و امنیت و زندگی در سلامت و آرامش، آرزوی دیرینه اوست، چه رنج‌هایی که از شعله‌ور شدن آتش حرص و طمع زورمندان بردوش کشیده و چه افراد بیگناهی که آرزوی داشتن زندگی‌ای همراه با آرامش و برخورداری از کمترین حقوق انسانی، در اثربروز جنگ‌های خانمان‌سوز، از آنان دریغ شده است. با وجود تلاش بی‌وقفه انبیای الهی و مصلحان اجتماعی، نزاع و کشمکش همیشه در طول تاریخ وجود داشته و از دامنه جنگ‌های خانمان‌برانداز نه تنها کاسته نشده، بلکه بر تعداد آن‌ها افزوده نیز شده است.

بیش و پیش از همه، انبیای عظام الهی که معلمان و طبیبان روحانی بشرند، نسبت به رعایت برخی قواعد اخلاقی که به بهبود اوضاع طرف‌های درگیر جنگ می‌انجامد توصیه‌های اکید فرموده و نسخه‌هایی متناسب با اوضاع و احوال و شرایط هر روز با هدف جلوگیری و یا کاستن از بار مصیبت‌ها و گرفتاری‌هایی که در اثر جنگ و خونریزی دامن‌گیر آنان می‌شود، پیچیده‌اند.

در بین انبیای الهی، آخرین پیامبر، فلسفه بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاقی معرفی می‌نماید و به این وسیله جایگاه اخلاق را در سلسله تعالیم آسمانی خویش مورد تأکید قرار می‌دهد. اسلام - همچون ادیان آسمانی پیشین و بلکه وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن‌ها - بر نقش و جایگاه اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی بشر تأکید کرده و قواعد حقوقی خود را بر آن استوار نموده است. این جستار در صدد است به نقش اخلاق در اجرای حقوق بشردوستانه از نگاه آموزه‌های اسلامی بپردازد.

نسبت اخلاق و حقوق

درباره نسبت یا عدم نسبت حقوق با اخلاق، سه صورت به شرح زیر قابل تصور است:

۱. تباین اخلاق با حقوق و نفی هریک توسط دیگری، که هیچ طرفداری ندارد، زیرا بسیاری از قواعد حقوقی، نه تنها قاعده‌ای اخلاقی را نفی نمی‌کنند، بلکه گاه به تأیید آن نیز می‌پردازند. همچنین اخلاق، در متن بسیاری از قواعد و احکام حقوقی حضور دارد.

۲. استقلال هریک از این دو از دیگری

۳. موافقت و هم‌پوشانی این دو با یکدیگر، با عنایت به عام مطلق بودن اخلاق نسبت

به حقوق

صرف نظراز دو صورت نخست، آنچه مبنای این جستار قرار گرفته، صورت سوم است. مدعای نگارنده آن است که بسیاری از قواعد حقوقی (اعم از بین‌المللی و داخلی) ریشه در قواعد و اصول اخلاقی دارد و اخلاق اسلامی که مبتنی بر آموزه‌های عقیدتی این دین مبین، به ویژه دو آموزه توحید و معاد است، مبنای قواعد حقوقی و فقهی در آن قرار می‌گیرد و می‌تواند پشتوانه و مبنایی برای حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و به ویژه حقوق بشردوستانه باشد.

آموزه‌های اخلاقی اسلام و قواعد حقوق بشردوستانه

روشن است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی یکی از شاخه‌های اصلی حقوق بین‌الملل عمومی و مجموعه‌ای از قواعد قراردادی و عرفی است که به طور خاص به مشکلات انسانی ناشی از مخاصمات مسلحانه می‌پردازد و هدف آن محدود ساختن طرفین مخاصمات مسلحانه در به‌کارگیری روش‌ها و ادوات جنگی و در عین حال حمایت از اشخاص و اموال در زمان جنگ می‌باشد (رضائیان، ۱۳۸۳: ۱۶).

همان‌گونه که از این تعریف پیداست، انسان و مشکلات انسانی در گیر و دار منازعات مسلحانه، محور قواعد حقوق بشردوستانه است و این قواعد درصددند با محدود ساختن اختیار طرفین درگیری در به‌کارگیری هرگونه روش و ابزاری که در اختیار دارند، به حمایت از اشخاص و اموال در زمان جنگ بپردازند. با توجه به این تعریف، بدون تردید حاکمیت ارزش‌های اخلاقی توان ایجاد محدودیت یادشده با هدف ایجاد مصونیت برای اشخاص و اموال را داراست. از این رو معرفی برخی از این ارزش‌ها و

بررسی نقش آن‌ها در اجرای قواعد حقوق بشردوستانه ضروری به نظر می‌رسد. اما پیش از بررسی نقش و تأثیر این قبیل ارزش‌ها در اجرای حقوق بشردوستانه، اشاره‌ای هر چند کوتاه به مفهوم ضمانت اجرا در حقوق ضروری به نظر می‌رسد.

ضمانت اجرا یکی از اوصاف مقوم قواعد حقوقی است. در توضیح این اصطلاح نوشته‌اند: قدرتی است که برای به‌کار بستن قانون یا حکم دادگاه از آن استفاده می‌شود. در حقوق داخلی، ضمانت اجرا بیشتر به قدرت ملزمه دولت متکی است. اما در حقوق بین‌الملل که سروکار اجرایی آن با دولت‌های متعدد با منافع گوناگون است، از دیرباز و در طول تاریخ آن، یکی از بزرگ‌ترین و شاید بزرگ‌ترین چالش‌ها، ضمانت اجرا بوده است. با توجه به اینکه «حقوق بشردوستانه»، یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل است، مشکلات نظری و عملی ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل به‌طور کلی، به این شاخه هم سریان می‌یابد. افزون بر این، حقوق بشردوستانه، در ضمانت اجرا، دشواری‌های شدیدتر و وسیع‌تری دارد. این معنا وقتی روشن می‌شود که توجه کنیم موضوع و قلمرو این شاخه از حقوق، جنگ و درگیری؛ یعنی بدترین صحنه تضاد منافع و تعارض قدرت‌هاست. در اینجا ضمانت اجرا باید قدرت و تکیه‌گاهی داشته باشد که بتواند خواسته‌های حقوق بشردوستانه را در صحنه برفروخته شدن قدرت‌ها و نیروها، در درگیری و زورآزمایی، به کرسی نشاند (صرامی، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

از آنجا که در حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه بین‌المللی قدرت دولتی خاص، همچون حقوق داخلی، پشتوانه ضمانت اجرا نیست، در نتیجه ضمانت اجرا در آن با چالش‌های فراوان روبه‌روست. الزام‌ها و ترجیح‌های اخلاقی که ممکن است در نگاه مضیق حقوقی به ضمانت اجرا، از دایره آن خارج باشد، در اینجا خارج از افق دید نخواهد بود (همان: ۲۹۲).

اکنون به معرفی برخی ارزش‌های اخلاقی اسلام که در اجرای قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی نقش ایفا می‌کنند می‌پردازیم. لازم به ذکر است که مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی بسیاری در اجرای قواعد یادشده تأثیرگذارند، اما به جهت محدودیت

حجم نوشتار تنها به معرفی نقش چهار ارزش اخلاقی مهم از مجموعه ارزش‌های اخلاقی اسلامی در این باره می‌پردازیم.

۱. تقوا

تکمیل مکارم اخلاقی یکی از هدف‌های مهم بعثت پیامبر اسلام ﷺ است. با بهره‌مندی از مکارم اخلاق است که انسان می‌تواند به بهترین نحو زندگی اخلاقی خود را پیش برد و یا به عبارتی زندگی خود را به قصد دستیابی به این مکارم اخلاقی که مایه تکامل نفسانی و وجودی اوست سامان بخشد. اخلاقی زیستن یا مشتاقانه در پی مکارم اخلاقی بودن، مستلزم وجود یک برنامه علمی و عملی جامع و مؤثر است که انسان بتواند به مدد کاربست آن به این مهم نائل آید. یکی از مبنایی‌ترین و بهترین برنامه‌ها با ویژگی یادشده تقواست که می‌تواند به مثابه یک راهنمای روشن‌گر در مسیر پرپیچ و خم زندگی او را به سرمنزل مقصود (قرب الهی) برساند. ضرورت چنین برنامه‌ریزی‌ای در زندگی انسان را می‌توان وجه تمایز او از حیوانات دانست؛ با این توضیح که انسان اگر بخواهد انسان باشد باید تحت فرمان عقل زندگی کرده، از اصول معینی در زندگی پیروی نماید و نیز از اموری که با هوی و هوس‌های آنی او موافق، اما با هدف و اصولی که اتخاذ کرده است منافات دارد، خودداری کند.

در صحنه نبرد با دشمن که آشفتشان خشم‌ها و کینه‌ها فوران می‌کند و پرده خون جلو دیدگان انسان را می‌گیرد، امکان لغزش و به انحراف کشیده شدن از مسیر مستقیم بندگی دور از انتظار نیست. در اینجاست که شخص با همه توان باران خشم و کینه خود را بر سر طرف مقابل فرو می‌ریزد و عقل و اندیشه را به کناری نهاده، بر توسن هوی و هوس سوار می‌شود که هرگز او را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۵۷). حالت خشم و غضب از خطرناک‌ترین حالاتی است که بر اثر مشاهده نامالایمات به انسان دست می‌دهد و اگر جلوان رها شود، به صورت نوعی جنون و از دست دادن هر نوع کنترل اعصاب خودنمایی می‌کند. بسیاری از جنایت‌ها و تصمیم‌های خطرناک که انسان عمری باید کفاره و جریمه آن را بپردازد، در چنین حالی رخ می‌دهد. این خشم در

برابردشمنی که در میدان نبرد قصد جان انسان را کرده، بسیار شدیدتر و خطرناک‌تر و دارای نتایجی به مراتب وحشتناک‌تر خواهد بود. در اینجاست که آراسته بودن به ملکه تقوا و پرهیزکاری می‌تواند خشم انسان را مهار کرده، زنگار کینه را از وجودش پاک کند. انسان در صحنه نبرد با دشمن آنچه رفتار می‌کند که دشمن با او، و به اصطلاح با دشمن مقابله به مثل می‌نماید؛ اما گاه پا را از مقابله به مثل فراتر گذارده، به کارهایی دست می‌زند که فراتر از مقابله به مثل، که اصلی پذیرفته شده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، می‌باشد. برخورداری از روحیه تقوا و پرهیزکاری مانع از دست یازیدن به چنین اعمالی می‌گردد و در رعایت اصول و قواعد حقوق بشردوستانه همچون تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان و نیز رعایت اصل تناسب و مراعات اصل ضرورت نقشی مهم ایفا می‌کند. البته روشن است که دستیابی به چنین مرحله‌ای بسیار دشوار است و جز در سایه ارزش اخلاقی دیگری که اخلاص نام دارد، نمی‌توان بدان دست یافت (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۲/۸۵۲).

۲. اخلاص

انگیزه‌های برافروختن آتش جنگ بین افراد و نیز ملت‌ها، گوناگون است. انتقام‌گیری، تشفی خاطر، تعصب‌های نژادی و قبیله‌ای و دینی، چپاول ثروت‌های ملل و نیز بسط حوزه اقتدار و سلطه، از جمله انگیزه‌های جنگ افروزی است. خاستگاه همه این‌گونه جنگ‌ها چیزی جز پیروی از هوای نفس و غیبت خداوند از صحنه زندگی چنین انسان‌هایی نیست. آن هنگام که خداوند در زندگی انسان حضور نداشته باشد، او هیچ مانعی فراروی خود برای ارتکاب هرگونه جنایتی علیه انسان‌های دیگر که با هوی و هوس او انطباق کامل دارد، نمی‌بیند، اما با حضور خدا در زندگی انسان و محوریت رضایت و خشنودی او در زندگی وی، انگیزه‌های جنگ کنترل شده و همگی حول محور خشنودی خداوند خواهد چرخید نه بر محور هواهای نفسانی جنگجویان. از این رو است که قرآن کریم از جنگ با دشمنان خدا با عنوان «جهاد فی سبیل الله» یاد می‌کند؛ یعنی جهادی که تنها با هدف کسب خشنودی خداوند انجام می‌پذیرد نه ارضای خواسته‌های پست

نفسانی انسان، پس توام با اخلاص خواهد بود، چرا که اخلاص به معنای انجام عمل تنها برای رضایت و خشنودی خداوند است. قرآن کریم از این معنا با عبارت: «والذین جاهدوا فینا» یاد می‌کند که به معنای جهاد با دشمنان خداوند با هدف کسب خشنودی خداوند و اطاعت و فرمانبرداری از او است^۱ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۵۸/۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۶۵/۳).

به نظر می‌رسد مفهوم اخلاص - که بعداً توضیح خواهیم داد - در ماهیت «جهاد» به معنای قرآنی آن - که با حرب و قتال تفاوت دارد - نهفته است؛ زیرا جهاد و نه قتال، به مفهوم حقیقی‌اش انسان را از خویشتن‌دوستی و منیت‌ها دور ساخته و او را به سمت سرکوب هوای نفس می‌کشاند؛ چرا که «جهاد» به معنای حقیقی کلمه، در گام نخست ایستادن در مقابل خواسته‌های نفسانی و در گام دوم نبرد با دشمنان است. بنابراین جهاد با نفس برتر و پیشتر از جهاد با دشمنان است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گروهی که از جنگ با دشمنان برگشته بودند چنین فرمود: «در گشایش و رحمت باشند مردمی که جهاد اصغر را انجام داده و جهاد اکبر به عهده آنان باقی مانده است. عرض شد: یا رسول الله جهاد اکبر کدام است؟ فرمود: جهاد با نفس.» (صدوق، ۱۴۰۰: ۴۶۷). بنا به فرموده حضرت، مادامی که انسان در میدان نبرد با نفس خویش به پیروزی دست نیابد و نیت خود را برای کسب خشنودی خداوند خالص نگرداند، جهاد نکرده است.

اخلاص یعنی پیراستن نیت از هرگونه انگیزه غیر خدایی، به‌گونه‌ای که انسان در هیچ فعل و حرکتی جز رضای خداوند را در نظر نداشته باشد. اخلاص از ویژگی‌هایی است که انسان مجاهد باید بدان آراسته گردد. این ویژگی اخلاقی ارزشمند در نظام اخلاقی اسلام جایگاهی ممتاز دارد، چنان‌که هیچ کاری - و لویه ظاهر بزرگ - دارای ارزش مثبت نیست مگر آن‌گاه که با اخلاص توأم باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قلبت را

۱ - زمخشری می‌گوید: أطلق المجاهدة ولم یقیدها بمفعول، لیتناول کل ما یجب مجاهدته من النفس الأثارة بالسوء والشیطان وأعداء الدین فینا فی حقنا و من أجلنا ولوجهننا خالصا.

خالص کن، عمل اندک تو را بسنده خواهد بود.» (مجلسی، بی تا: ۱۷۵/۷۰). همچنین در این نظام، اخلاص بالاترین مرتبه در ایمان را حائز است (آمدی، ۱۳۶۶: ۸۳). پس سراسر زندگانی فرد مؤمن با اخلاص عجین شده و حب و بغض و گرفتن و رها کردن و سخن گفتن و سکوت پیشه کردن او همگی برای رضای خداوند است (همان).

با توجه به اهمیت و جایگاه اخلاص در نظام اخلاقی اسلام، یک جنگ آور مسلمان در نبرد با دشمن باید از دستوره‌های الهی تبعیت کند نه از دستوره‌های نفس خویش و شیطان؛ از این رو هنگامی که پیامبر ﷺ گروهی را برای نبرد با دشمن روانه می‌کرد، به آنان فرمان می‌داد که تنها برای خشنودی و رضای خداوند به مبارزه با دشمن پردازند نه انگیزه‌های دیگری همچون انتقام جویی و... (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۸/۱۵)

با این منطقی، آنگاه که جنگ با دشمن با هدف کسب خشنودی خداوند و اطاعت دستوره‌های او صورت نپذیرد، جهاد در راه خداوند به شمار نخواهد رفت، هر چند فرد جنگ آوری بی مانند باشد که تعداد زیادی از افراد دشمن را به خاک افکنده است. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «به پیغمبر اطلاع دادند یکی از اصحاب به نام «قزمان» در میدان جنگ به برادران خود کمک فراوانی کرده است، حضرت فرمود: او از اهل آتش است! بار دیگر عرض کردند: یا رسول الله! قزمان به شهادت رسیده، فرمود: خداوند مشیت خود را جاری خواهد کرد. پس از آن دوباره خدمت پیامبر رسیده، گفتند: قزمان خودکشی کرده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گواهی می‌دهم که رسول حقیقی پروردگار هستم. راوی گفت: قزمان جنگ سختی با مشرکان انجام داد و هفت نفر از آن‌ها را کشت. پس از اینکه زخم‌های زیادی برداشت به طرف بنی ظفر رفت، مسلمانان گفتند: ای قزمان تو امروز احسان کردی و فداکاری نمودی. اینک تو را به ثواب و جزا مژده می‌دهیم. قزمان پاسخ داد: چرا به ثواب و جزا مرا مژده می‌دهید، به خداوند سوگند من به خاطر طرفداری از خویشاوندان خود در این جنگ شرکت کردم، و این همه تلاش نشان دادم، و اگر اقوام من در این میان نبودند من هرگز جنگ نمی‌کردم. هنگامی که زخم‌هایش شدت پیدا کرد، تیری از تیرکش خود کشید و به وسیله آن خودکشی نمود.» (طبرسی،

۱۳۹۰: ۸۵). بنابراین، جنگ آور مسلمان، در نبرد با دشمن نه به خواسته های نفسانی خود می اندیشد و نه به افتخارهای قومی و قبیله ای اش و نه جز آن؛ بلکه تنها برای کسب رضای خداوند و پیروزی حق بر باطل با دشمن نبرد می کند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۷۰۹/۲).
علی علیه السلام برای تقویت انگیزه اخلاص در دل های سپاهیان خویش آنان را به اهتمام نسبت به نماز - که سراسر ذکر و یاد خداست - و نیز زیاد نماز خواندن با هدف نزدیک شدن به خداوند توصیه می کند (سیدرضی، همان: ۳۱۶) و این یعنی دمیدن روح ایمان و اخلاص در دل های کسانی که با دشمنان خداوند می جنگند و بیرون راندن انگیزه های مادی و نفسانی از وجود آنان.

اهمیت نقش اخلاص در جنگ باعث می شود فرمانده لشکر به سربازان خود توصیه کند که قبل از دعوت افراد لشکر دشمن به هدایت و دین درست، به جنگ با آنان اقدام نکنند. (حرعاملی، همان: ۴۵/۱۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز خیبر به علی علیه السلام فرمود: «... به حرکت و سیر خود ادامه ده تا به دیار آنان فرود آیی، آنگاه آنان را به اسلام فراخوان و آنان را از حقوق واجب الهی در آن خبر ده. سوگند به خداوند، اگر خداوند به دست تو یکی از آنان را هدایت کند، برای تو از شتران سرخ موی بهتر است.» (سیدبن طاووس، ۱۴۰۰: ۵۶/۱).

بنابراین از نگاه اسلام، جنگ وسیله ای برای فرونشاندن آتش کینه و نیل به انتقام نیست و نیز ابزاری برای گسترش حوزه نفوذ مادی به شمار نمی رود. چنین نبردی، شایسته عنوان جهاد در راه خداوند است، چرا که چنین جنگی از نبردهایی که با انگیزه های پست یاد شده صورت می گیرد، متمایز است، پس نتایج دیگری را نیز به بار خواهد آورد که در زیر به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. دستیابی به یکی از دو خوبی (إحدى الحسنین)

در صورتی که جنگ و جهاد در راه خدا و برای کسب رضایت خداوند صورت پذیرد، مجاهد مخلص یکی از دو نیکویی را انتظار می برد: پیروزی یا شهادت. بنابراین از آنجا که نتیجه هر کدام از این دو باشد برای آنان نیک و پسندیده است، هیچ مجالی برای

مداخله هوای نفس و غیر خدا در جنگ آنان با دشمن فراهم نمی‌گردد و مجاهدانی این چنین از زاویه‌ای درخشان به قضیه می‌نگرند و در پرتو اخلاص، اصول انسانی را در مواجهه با دشمن و به ویژه زنان و کودکان و پیران مراعات می‌نمایند؛ زیرا انگیزه‌ای جز کسب رضای خداوند ندارند و خداوند به مهربانی و ترحم نسبت به این افراد و نیز افرادی از دشمن که سلاح بر زمین گذارده و به سبب مجروح شدن از جنگ دست کشیده و یا اسیر شده‌اند، فرمان می‌دهد. اما کسانی که در مقابل جنگ آوران با اخلاص قرار گرفته‌اند، چون از روزه‌ای تاریک به قضیه می‌نگرند و جز اشباع غرایز حیوانی خویش به چیز دیگری نمی‌اندیشند، همه اصول انسانیت را زیر پا گذارده و به پیر و فرتوت و سربازان از پا افتاده نیز رحم نمی‌کنند (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۳۴).

۲. پرهیز از اعمال غیر انسانی

جنگ آوری که با اخلاص می‌جنگد، چون تنها به خشنودی خداوند می‌اندیشد، به افراد دشمن همچون ریزه‌خواران سفره الهی می‌نگرد و آن‌ها را عیال خدا می‌داند، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آفریدگان همه عیال و نانخور خدایند، پس محبوب‌ترین آنان در نزد خدا کسی است که برای عیال خدا (خلق خدا) سودمندتر باشد.» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۱/۶۹۰). از این رو تلاش می‌کند نسبت به کسانی که در مقابل او قرار می‌گیرند، به ویژه کسانی که در جنگ با او مشارکت ندارند؛ یعنی زنان و کودکان و ناتوانان و جز آن‌ها، سودرسان باشد، پس با آنان با رأفت و رحمت رفتار نموده، اصول انسانی را درباره آن‌ها مراعات می‌نماید. در جهادی که به امر خدا و برای کسب رضای خدا انجام می‌شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام جهادگران را به رفق و مدارا و نیز مهرورزی با این گروه از افراد دشمن فرامی‌خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که گروهی را برای نبرد با دشمنان می‌فرستاد به آنان این‌گونه سفارش می‌فرمود: «به نام خدا و برای خدا و براساس دین پیامبرش روانه شوید و پیر فرتوت و نیز کودکان و زنان را نکشید.» نیز امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آن‌ها شروع کنند، زیرا بحمد الله حجت با شماست، و آغازگر جنگ نبودنتان، تا آنکه دشمن به جنگ روی آورد، حجت دیگر بر حقیقت شما خواهد

بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید، و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید، و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند...» (سیدرضی، همان: ۳۷۳).

خشونت و بی‌رحمی، از جنگ جدایی‌ناپذیر است؛ چرا که طبیعت جنگ این چنین است. ترساندن دشمن و غارت اموال و هتک حرمت ناموس او و نیز انتقام از او به بدترین شکل ممکن، از جمله خلقیات جنگ به شمار می‌رود؛ اما مجاهدی که برای رضای خدا نبرد می‌کند و از حقیقت اخلاص بهره‌مند است، تلاش می‌کند خود را از گرفتار شدن در باتلاق غرائز نفسانی و هواهای شیطانی برهاند و در مواجهه با دشمن، اصول و قواعد انسانی را مراعات کرده، از آن‌ها تعدی ننماید. اما کسانی که حضورشان در صحنه جنگ جز به نیت پاسخ‌گویی به نیازهای حیوانی‌شان نیست، هیچ ابایی از ریختن خون بی‌گناهان و به خاک افکندن کسانی که هیچ مداخله‌ای در نبرد ندارند، نخواهند داشت.

۳. وفای به عهد

از جمله اصول ارزشمند نظام اخلاقی اسلام، وفای به عهد است. این ارزش اخلاقی در میان همه ملت‌ها و ادیان و مذاهب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این ارزش از فطرت پاک انسان سرچشمه گرفته و همه انسان‌ها، کسانی را که نسبت به پیمان‌های خود وفادارند ستایش می‌کنند؛ زیرا انسان در زندگی اجتماعی خود‌گزیری از عقد پیمان با دیگران برای نیل به خواسته‌ها و هدف‌های خود ندارد و تنها عاملی که باعث ایجاد اطمینان افراد به یکدیگر می‌گردد، پایبندی آنان به عهد و پیمان است.

وفای به عهد و پیمان‌هایی که بین دولت‌ها با یکدیگر در جنگ‌های خونین برای جلوگیری از برخوردهای غیرضروری و ایجاد ضرر و زیان‌های غیرلازم منعقد می‌شود نیز از ارزش اخلاقی والایی برخوردار است. از نگاه اسلام، به صورت مطلق پایبندی به عهد و پیمان برای هر یک از دو طرف پیمان، چه از قبل آن منتفع و چه متضرر شوند، واجب و

ضروری است، چرا که مراعات عدالت اجتماعی از مراعات منافع اشخاص اهمیت فزون تری دارد. این لزوم پایبندی تا آنجا که یکی از طرفین معاهده نقض پیمان کند ادامه خواهد داشت که در این صورت طرف دیگر نیز می‌تواند از التزام نسبت به مفاد آن پیمان خود را رهایی بخشد.

روشن است که این درجه از تأکید بروفای به عهد در هیچ دین آسمانی و نیز مکتب بشری که داعیه رعایت حقوق افراد و اجتماع را دارد، به اندازه دین مبین اسلام سابقه ندارد. اسلام بر رعایت حقوق افراد به حکم اینکه آنان انسان‌اند، تأکید ویژه‌ای دارد. اگر درجه اهتمام اسلام به لزوم پایبندی به پیمان‌ها را با سنت‌های ممالک متمدن و جز آن‌ها و به‌ویژه با آنچه درباره نوع برخورد حکومت‌های قوی با کشورهای ضعیف در خصوص پایبندی آنان به پیمان‌ها - مادام که منافعشان را تأمین کند و نقض آن‌ها آنگاه که به ضرر منافعشان باشد -، می‌بینیم و یا می‌شنویم، مقایسه کنیم به درستی تفاوت اسلام را با آن‌ها درمی‌یابیم. در اینجا دو منطبق وجود دارد: یک منطبق بر رعایت جانب حق - کیفما کان - تأکید دارد؛ زیرا مراعات حق، ضامن مراعات منافع جامعه است. منطبق دیگر هم قائل به رعایت منافع مردم خویش با تمسک به هر وسیله و ابزاری است، هر چند این وسیله حق را زیر پا بگذارد، چرا که معتقد است هدف وسیله را توجیه می‌کند. در اینجا است که عظمت مبانی اخلاقی اسلام آشکار می‌شود و چنانچه این مبنا در حقوق بشر دوستانه مورد توجه قرار گرفته، تأکید اسلام بر لزوم پایبندی به پیمان‌ها - و لوبا دشمنان - مورد توجه قرار گیرد، اجرای قواعد حقوق بشر دوستانه سهولت بیشتری خواهد یافت. به عنوان مثال، قرآن کریم نسبت به پیمان‌هایی که میان مسلمانان و غیرمسلمانان منعقد می‌شود، پایبندی به آن پیمان‌ها را از ثمرات تقوایی که مدار کرامت انسان است (حجرات / ۱۳)، دانسته می‌فرماید: «این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آن‌ها عهد بسته‌اید. مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها عهد بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند؛ پیمان آن‌ها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را

دوست دارد.» (توبه / ۴). همچنین نسبت به لزوم پایبندی به پیمان‌هایی که با مشرکان بسته‌اند مادامی‌که آنان بدان پیمان‌ها وفادارند، تأکید کرده، می‌فرماید: «... تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.» (همان / ۷) و نیز یکی از ویژگی‌های افراد مؤمن را پایبندی آنان به عهد و پیمان‌هایشان معرفی کرده، می‌فرماید: «و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.» (مؤمنون / ۸).

این آیه مؤمنان را این‌گونه توصیف می‌کند و حقیقت ایمان نیز همین را اقتضا می‌کند؛ چرا که ایمان ملازم با سکون و استقرار و اطمینان نفس است، پس زمانی که مؤمنی در مورد امانتی که بدو سپرده می‌شود و یا پیمانی که با او بسته می‌شود، مورد اعتماد و اطمینان قرار می‌گیرد، بر آن پایبند و پایدار خواهد ماند و با خیانت در امانت و نقض عهد و پیمان، در آن ایمان تزلزل ایجاد نخواهد نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۱۵). پس این ایمان مؤمن است که او را نسبت به پایبندی به این ارزش اخلاقی ملتزم ساخته است، هر چند این پیمان با کسی منعقد شده باشد که دشمن اوست. روشن است که چنین التزام و تعهدی می‌تواند نقشی اثرگذار در اجرای قواعد حقوق بشر دوستانه ایفا نماید.

در سخنان معصومان علیهم‌السلام نیز بر اهمیت این ارزش اخلاقی تأکید فراوان شده است. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام لزوم پایبندی به پیمانی را که با دشمن بسته شده است این‌گونه به مالک اشتر یادآور می‌شود: «و اگر با دشمنت پیمانی نهادی و در ذمه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا. و خود را چون سپری برابر پیمان‌ت برپا، چه مردم بر هیچ چیز از واجب‌های خدا چون بزرگ‌شمردن وفای به عهد سخت همداستان نباشند، با همه هواهای گونه‌گون که دارند و رأی‌های مخالف یکدیگر که در میان آرند. و مشرکان نیز جدا از مسلمانان، وفای به عهد را میان خود لازم می‌شمردند، چه زیان پایان ناگوار پیمان‌شکنی را بردند. پس در آنچه به عهده گرفته‌ای خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای مشکن و دشمنت را که - در پیمان توست - مفریب که جز نادان بدبخت بر خدا دلیری نکند. و خدا پیمان و زینهار خود را امانی قرار داده، و از در رحمت

به بندگان رعایت آن را بر عهده همگان نهاده، و چون حریمی استوارش ساخته تا در استواری آن بیارمند و رخت به پناه آن کشند. پس در پیمان نه خیانتی توان کرد، و نه فریبی داد، و نه مکرری پیش آورد، و پیمانی مبنی که آن را تأویلی توان کرد - یا رخنه‌ای در آن پدید آورد - و چون پیمان استوار شد و عهدت برقرار - راه خیانت مپوی - و برای به هم زدنش خلاف معنی لفظ را مجوی، و مبادا سختی پیمانی که بر عهده‌ات افتاده و عهد خدا آن را برگردنت نهاده، سر بردارد و تورا - به ناحق - بر به هم زدن آن پیمان وادارد، که شکیبایی کردنت در کار دشواری که گشایش آن را امیدواری، و پایان نیکویی‌اش را در انتظار، بهتر از مکرری است که از کيفر آن ترسانی، و اینکه خدا تورا چنان بازخواست کند که درخواست بخشش او را در دنیا و آخرت نتوانی.» (شهیدی، ۱۳۷۸: ۳۳۹-۳۳۸).

با استناد به این ارزش اخلاقی است که در میان مسلمانان واقعی، پایبندی به حقوق افراد در مخاصمات مسلحانه خود را نشان می‌دهد؛ به ویژه آنکه انسان مؤمن برای پایبندی به عهد و پیمان، گذشته از اقتضای ضرورت اجتماعی نسبت به این پایبندی، آن را اطاعت از فرمان خداوندی می‌داند و این خود انگیزه او برای پایبندی به عهد و پیمان را دوچندان می‌کند. البته روشن است که این دو انگیزه در یک سطح و اندازه قرار ندارند، چرا که التزام به پیمان با انگیزه نخست، برخاسته از ضرورتی است که حیات اجتماعی آن را اقتضا می‌کند، پس ارزش چندانی ندارد و جزء ارزش‌های انسانی و دینی به شمار نمی‌رود، چرا که جباران و ستمگران می‌توانند به آسانی این‌گونه پیمان‌ها را نقض نمایند. اما التزام به پیمان با انگیزه دوم که دارای جهت‌گیری الهی است، در حوزه ارزش - های انسانی قرار گرفته و همه انسان‌ها می‌توانند با اتکای به آن در مناسبات خود با یکدیگر بی‌هیچ نگرانی، به هم اطمینان و اعتماد نمایند؛ چرا که مؤمن شخصیت انسانی خود را در گرو پیمان خود قرار می‌دهد؛ از این رو نقض آن را نقض ایمان خود و پیمانی که با خداوند متعال بسته است تلقی می‌کند. (مراغی، بی تا: ۴۳/۱۰).

با این پشتوانه اخلاقی است که رعایت حقوق افراد درگیر جنگ و یا کسانی که هیچ‌گونه مشارکتی در جنگ ندارند، بر اساس پیمان‌نامه‌ها قابلیت اجرا می‌یابد. در سیره

پیامبر اکرم ﷺ می بینیم که چگونه حضرت به رغم در پیش گرفتن روشی دیگر برای نفوذ به دژ یهودی‌ها، غیر از آنچه فرد یهودی بر آن دلالت و راهنمایی کرده بود، بر عهد و پیمانی که با آن یهودی - که دشمن پیامبر ﷺ بود، اما از ایشان امان گرفته بود-، وفادار می ماند (راوندی، ۱۴۰۹/۱: ۱۶۵). اهمیت این ارزش اخلاقی در این کلام حضرت رسول ﷺ به صورت آشکار بیان شده است: «فردا در قرارگاه رستاخیز نزدیک‌ترین فرد شما به من، راست‌گوترین و امانت‌پردازترین و باوفاترین شما به پیمان و نیک‌خوترین و نزدیک‌ترین شما با مردمان است.» (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۶). همچنین جایگاه این اصل اخلاقی از پایبندی حضرت به پیمان‌هایی که مسلمانان با مشرکان منعقد می‌ساختند روشن و آشکار است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۹۴). این میزان از التزام و نیز سفارش به پایبندی به عهد و پیمان برای آن بود که این ارزش‌های اخلاقی در دل‌های مؤمنان رسوخ یابد. با رسوخ ارزش‌هایی همچون وفای به عهد و ممنوعیت خیانت در دل‌های مؤمنان، حقوق افراد دشمن در جبهه نبرد به خوبی مراعات خواهد شد، چرا که مسلمانان بر التزام خود به عهدی که با دشمن بسته‌اند، وفادارند. البته این پایبندی تا آنجا ضروری است که دشمن نیز بدان پایبندی نشان دهد، اما در صورتی که مؤمنان احساس کنند دشمن پیمان را زیر پا گذارده و نسبت به آن خیانت روا داشته است، می‌توانند آنان نیز نسبت به پیمان منعقد شده بی‌اعتنا گردند، بدون آنکه آن را نقض نمایند؛ بلکه لازم است به صراحت آنان را از تصمیم خود آگاه سازند تا عذری نداشته باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به طور عادلانه به آن‌ها اعلام کن که پیمان‌شان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد.» (انفال / ۵۸) در این هنگام است که قرآن اجازه می‌دهد مؤمنان با کافرانی که نقض پیمان کرده‌اند به جنگ برخیزند: «و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفرپیکار کنید، چرا که آن‌ها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند.» (توبه / ۱۲).

۴. عدالت

عدالت مفهومی بنیادین و محوری در اخلاق اسلامی است. به فرموده امام علی علیه السلام، «عدل پایه‌ای است که پایداری جهان به آن بستگی دارد.» (مجلسی، همان: ۸۳/۷۵) و نیز فرمود: «عدالت میزان خدایی است که در کار مردمان نهاد و آن را برای برپاداری حق به پا داشت، پس با خداوند در میزانش مخالفت نکنید و با قانونمندی اش نستیزید.» (آمدی، همان: ۹۹) که این خود ستیزه و جنگ با خداوند است.

عدالت به معنای اخلاقی آن - در برابر عدالت اجتماعی و نیز عدالت سیاسی - مفهومی است که از ایجاد حالت توازن و اعتدال میان قوه خشم و شهوت به وسیله قوه عاقله حاصل می‌گردد. پس فضیلت عدالت عبارت است از آنکه قوای غضب و شهوت تحت تدبیر عقل و شرع قرار گیرند. به گفته عالمان اخلاق، عدالت برترین فضایل و اشرف کمالات است، چرا که همه صفات کمالیه را در خود جای داده است؛ زیرا عدالت ملکه‌ای است نفسانی که انسان را بر تعدیل همه صفات و افعال و رعایت حد وسط میان آن‌ها و نیز حل نزاع قوای نفسانیه انسان با یکدیگر توانا می‌سازد تا جایی که اتحاد، مناسبت و یگانگی و الفت میان همه آن‌ها ایجاد شود. پس همه خلقیات فاضله و صفات کامله بر عدالت مترتب می‌گردد (نراقی، ۱۳۷۸: ۷۸).

توصیه‌های قرآن کریم به لزوم عدالت ورزی و عدالت محوری پیامبر اکرم و معصومان علیهم السلام در رفتار با افراد سپاه دشمن و توصیه به عدالت پیشگی در سخنان گهربار آنان، حکایت از جایگاه بلند این اصل اخلاقی در اجرای حقوق در همه زمین‌ها، به ویژه در بحبوحه جنگ و درگیری‌های خونین دارد.

این آیه در قرآن کریم آیه‌ای کلیدی است و خود به تنهایی شاهدهی صادق بر لزوم محوریت اخلاق در صحنه نبرد و درگیری است. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک تر است! و از (معصیت) خدا پرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است.»

(مأئده / ۸). مبادا دشمنی عده‌ای که دشمن شما هستند شما را از مرز عدالت خارج کند. روی مرز عدالت کار کنید؛ فکر نکنید آن‌ها مسلمان هستند یا نیستند، دشمن هستند یا نیستند، این حرف‌ها را در این حساب نیاورید، مبنای فضایل اخلاقی خداست، شما به خاطر خدا به فضایل اخلاقی پایبند هستید. [مؤمن کسی است که در فضایل اخلاقی] خویشان و فامیل و خانواده نشناسد، اهل محل نشناسد، باند نشناسد، حزب نشناسد، حتی خود دین را برای فضایل اخلاقی مرز قرار ندهد، خودی را به قدری توسعه دهد که شعاعش بی‌نهایت بشود (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۲/۶۸۱).

دقت در شأن نزول این آیه شریفه ما را بهتر با محوریت عدالت در سیره پیامبر اکرم ﷺ آشنا می‌سازد. این آیه پس از آن نازل شد که سپاه اسلام توانست مکه، پایگاه شرک و کفر که دشمنان قسم خورده حضرت را در خود جای داده بود، بدون ریختن قطره خونی فتح نماید. آنان هر چند عدالت و مروت را درباره پیامبر - چه در دوران حضور حضرت در مکه و چه پس از هجرت ایشان به مدینه - مراعات نکردند، اما پیامبر ﷺ بر اساس ارزش‌های اخلاقی‌ای که قرآن کریم بدان‌ها توصیه می‌کند، نه تنها پا را از جاده عدل و انصاف بیرون نگذارد، بلکه از همه بدی‌های آنان چشم‌پوشی کرد و آنان را بخشود و آزاد نمود.

امام علی علیه السلام، امام رحمت و عدالت، برای مؤمن شش ویژگی را برشمرده که از آن جمله است: در بحران‌ها ثابت قدم و استوار، در برابر بلاها و مشکلات صبور... است و بر دشمنان خود ستم روا نمی‌دارد (حرانی، همان: ۳۶۱). امام علی علیه السلام به همان میزان که دوستدار عدل بود، از ظلم و بی‌عدالتی تنفر داشت و ظلم و بی‌عدالتی را ریشه همه پستی‌ها می‌دانست (آمدی، همان: ۴۵۵) و بدترین توشه برای روز حسابرسی را دشمنی ورزیدن - همراه با بی‌عدالتی - با بندگان خدا می‌دید (صدوق، همان: ۴۴۶). امام علی علیه السلام با دشمنان خود نیز همواره دادگر بود؛ حتی با دشمنی که کمر به قتل او بست (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/۳۰۰).

عدالت‌ورزی در مبارزه با دشمن در این فرمان پیامبر اکرم ﷺ به سران سپاه خود که

برای نبرد با دشمن عازم می شدند، به روشنی تبلور یافته است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندهی را با لشکری گسیل می داشت، نخست او را به رعایت تقوای الهی در باره خود و عموم یارانش سفارش می کرد، سپس می فرمود: به نام خدا و در راه خدا پیکار کن، با منکران خدا بجنگید، مکر نکنید، خیانت نکنید، کشتگان را مثله نکنید (گوش و بینی وانگشتان آنان را نبرید)، کودکان و کسانی را که در سر کوهی به عبادت مشغولند (راهبان را) نکشید، درختان خرما را آتش نزنید و در آب غرق نسازید، هیچ درخت میوه داری را نبرید و زراعتی را آتش نزنید، زیرا شما نمی دانید، شاید به آن نیازمند شوید. و از چهارپایان حلال گوشت غیر آن را که ناچار از خوردن آنید پی نکنید، و چون با دشمن مسلمانان روبه رو شدید آنان را به یکی از سه چیز (مسلمان شدن، جزیه دادن، ترک جنگ) فراخوانید، پس اگر در مورد هر یک از آن ها پاسخ مثبت دادند از آنان بپذیرید و دست از سر آنان بردارید.» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۸۵/۱)

امام علی علیه السلام نیز به لشکریانش، قبل از شروع، دستور جامعی درباره رفتار دادگراانه با افراد دشمن داده است: «با آنان نجنگید تا آنان آغاز به جنگ کنند، زیرا شما بحمدالله حجت دارید، و اینکه آنان را وا گذارید تا خود به جنگ آغاز کنند حجت دیگری برای شما بر آن هاست. پس چون به خواست خدا شکست خوردند و پا به فرار نهادند، فراری را نکشید، و به کسی که تسلیم شده است آسیب نرسانید، و کار زخمی ها را تمام نکنید، و زنان را با هیچ گونه آزار و اذیت به هیجان نیاورید، گرچه به شما ناسزا گویند و امیرانتان را دشنام دهند.» (سیدرضی، همان: ۳۷۳)

نتیجه گیری

به رغم تفاوت های موجود میان اخلاق و حقوق، نمی توان از نقش اخلاق در پایه گذاری بسیاری از قواعد حقوقی و همچنین اجرای آن ها چشم پوشید. ارزش های اخلاقی اساس بسیاری از قواعد حقوقی قرار گرفته و این قواعد بر این ارزش ها مبتنی است، از این رو نه بر قانون گذار و نه بر مجریان قواعد حقوقی روا نیست که از آن ها غفلت ورزند؛ زیرا این قواعد حقوقی همگی چهره های از چهره های اخلاق هستند و هر نظام حقوقی در کنار خود نظام

اخلاقی ای دارد که همگام با آن حرکت می‌کند و آن نظام اخلاقی اجرای درست و کامل آن قواعد را تضمین می‌نماید. حقوق بشردوستانه بین‌المللی، همچون حقوق داخلی نیست که قدرت دولتی خاص پشتوانه اجرای قواعد آن باشد، از این رو به پشتوانه‌هایی دیگر برای اجرای قواعد خود نیازمند است. مؤثرترین عاملی که می‌تواند در اجرای قواعد حقوق بشردوستانه نقش ایفا کند و درگیر و دار منازعات خونین حافظ کرامت انسانی باشد و از وارد کردن زبان‌های غیر ضروری جلوگیری کرده، میان نظامیان و غیرنظامیان تفکیک نماید و متناسب با هدف‌ها، و نه فراتر از آن‌ها، از امکانات نظامی علیه دشمن استفاده کند، اصول و ارزش‌های اخلاقی ای است که برآموزه‌های دینی مبتنی باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۳. تیمیمی آمدی، عبدالواحد، *تصنیف غرر الحکم*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی مسائل الشریعة*، مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹ق.
۵. حرانی حلبی، ابومحمد حسن بن علی بن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام*، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۶. حکیمی، محمد و محمود و احمد، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ مکرر، ۱۳۸۰.
۷. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، دار الکتب العربی، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۳ق.
۸. راوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائج*، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۹. رضائیان، مهرداد، *حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات مسلحانه*، نشر سرسم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۰. رضی موسوی، سید ابوالحسن محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی،

- بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ق.
۱۲. سید بن قطب، ابن ابراهیم الشاذلی، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت- قاهره، الطبعة الخامسة والثلاثون، ۱۴۲۵ق.
۱۳. شهیدی، سید جعفر، *ترجمه نهج البلاغه*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، انتشارات اعلی، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۰ق.
۱۵. صرامی، سیف الله، *اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی*، مقاله: «ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین الملل معاصر»، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ق.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *سنن النبی ﷺ*، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، اسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۱۹. _____، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۰. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دارالملاک للطباعة والنشر، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ق.
۲۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، اسلامیة، تهران، چاپ مکرر (بی تا).
۲۳. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، دارالفکر، بیروت، الطبعة الأولى، (بی تا).
۲۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، صدرا، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
۲۵. نراقی، احمد، *معراج السعادة*، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، چاپ ششم، ۱۳۷۸.